بسم الله الرحمن الرحیم

تخالف الحجج

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و هفتاد و یکم\_ 15 اسفند 1400

[ادامه بحث در تعلیقۀ ششم]

[مقایسه تعداد روایات فقهی موجود امام کاظم با سائر امامان پس از ایشان علیهم السلام]

در ادامۀ نکته‌های که راجع به راجع به مرحلۀ سوم از تدوین شیعه بیان کردیم، نسبت به تعداد روایات فقهیه امام موسی بن جعفر سلام الله علیه و ائمۀ بعد از ایشان، چنان که عرض کردم، یکی از فضلای حوزه فقه امام موسی بن جعفر را در 5 جلد نگاشته و فقه ائمۀ دیگر را مجموعا در 6 جلد، طبق محاسبۀ ایشان 1760 روایت فقهی از امام موسی بن جعفر سلام الله علیه نقل شده، و 1344 روایت فقهیه از وجود مقدس امام هشتم علیه السلام و ائمۀ بعد علیهم السلام مجموعا نقل شده است. یعنی روایات امام هفم به تنهایی 1760 روایت است، روایات ائمۀ بعد مجموعا 1344 روایت است.

[علت کثرت روایات امام کاظم سلام الله علیه]

این که روایات موسی بن جعفر سلامه الله علیه بیشتر شده است، با این که دوران زجر و شکنجه و خفقان بوده:

1. یک علتش مربوط می‌شود به طولانی بودن دوران امامت حضرت، از سال 148 تا سال 183، حدود 35 سال،
2. دومین علت هم یک فراغت نسبی که امام حاصل کرد، در زمان مهدی، و هادی عباسی،
3. سومین علت که مستقلا ان شاء الله همین امروز بحثش را خواهم کرد، این‌که حدود 700 روایت از روایات فقهیه امام موسی بن جفر توسط یک نفر یعنی برادر بسیار عظیم القدر ایشان، جناب علی بن جعفر عُرَیضی به دست ما رسیده است.

این‌یک نکته که مقایسه‌از‌نظر‌تعداد بین‌روایات باشد‌و‌علت‌این‌که روایات امام موسی‌بن‌جعفر سلام‌الله‌علیهما بیشتر‌شده‌است، چیست.

[ بررسی شخصیت علی بن جعفر الصادق علیه السلام]

اما نکتۀ دومی که عرض می کنیم راجع به همین جناب علی بن جعفر عُرَیضی است، این بزرگوار از امامزادگان بسیار گرانقدر است، در مکاسب یادتان باشد، یک روایتی به مناسبتی شیخ نقل می‌کند در مورد سحر، آنجا به مناسبت یک روایت دارد که حضرت جواد در حالی که طفل بود، تعظیم بسیار زیادی از طرف این پیرمرد بزرگوار صورت می‌گرفت.

یک روایت دیگر هم هست، که احترام وافی و کامل ایشان از امام رضا سلام الله علیه را بیان می کند، فرزند برادرش، که به استقبال ایشان رفت، در جلسه درس نشسته بود، به استقبال ایشان رفت، تا امام رضا سلام الله در آن‌جا آشکار شد، آمد بدون کفش بدون این که عبائی بر دوش کند بلند شد **فَقَبَّلَ يَدَهُ وَ عَظَّمَه**‏،

از او سوال کردند که تو با این سن چرا این کار را کردی؟ گفت خداوند این ریش سفید را اهل این امامت قرار نداده **وَ وَضَعَهُ حَيْثُ وَضَعَهُ أُنْكِرُ فَضْلَهُ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا تَقُولُونَ بَلْ أَنَا لَهُ عَبْدٌ**. [[1]](#footnote-1)

خیلی شخصیت عظیم القدری این بزرگواراست و قبرش هم در مدینه است و این قبری که در قم به نام علی بن جعفر است ظاهری علی بن جعفر دیگری است، قبر ایشان در عُرَیض مدینه بوده است، و یک خبری هم سالیان قبل توسط شیعیان مدینه نقل شد که در تعریض خیابان قبر ایشان آشکار شد و جنازه تازه اما برای اینکه کسی متوجه نشود فوری جنازه را در بقیع دفن کرده‌اند، آنی که مهم است این که قبر ایشان در مدینه است، حال در عریض بوده است و یا انقال داده است به بقیع.

[کتاب مسائل علی بن جعفر]

ایشان مسائلی دارد از امام موسی بن جعفر، یعنی برادرش، این سؤال‌ها ترتیب خاصی نداشته، یک سوال از نماز، یک سوال از نکاح و یک سوال از باب دیگر، ترتیب خاصی نداشته، همه هم اولش سألته است، این سألته خیال نکنید، مضمره شد و دیگر روایت از اعتبار مثلا ساقط شد، چون دارند از کتاب مسائل ابی جعفر عن اخیه دارند نقل می کند.

عرض کردم کتاب دسته بندی نشده است، تا می رسیم به جناب عبد الله جعفر حمیری، آن راوی جلیل القدر شیعه، صاحب کتاب قرب الاسناد، او از امام صادق، امام کاظم و امام رضا سلام الله علیهما قرب الاسناد دارد، که البته همه‌اش الان در دست ما نیست و گفته ام که قرب الاسناد روایاتی است که واسطۀ کمی می‌خورده است، می‌رفتند شهر به شهر، کتاب به کتاب تتبع و تحقیق می کردند روایاتی که با واسطۀ کمی به امام برسد، علت واسطه، خودش یکی از مرجحات روایت بوده است، حال جناب عبد الله جعفر حمیری در کتاب قرب الاسنادش، آن بخشی که مربوط به حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیه است، او را مدوب و منظم کرده است مقداری، از آن حالت غیر مرتب بودن اولیه خارج شده است. البته بعضی از روایات هست در بین این نسخه‌ها تفاوتی هست، یعنی بین مسائل علی بن جعفر و قرب الاسناد از نظر تعداد تفاوت ها و اشتراکی هست که این ها بحث‌های ریزی است که باید جداگانه مطرح شود. بالاخره آنی که من تأکید می کنم این که جناب علی بن جعفر کسی است که امام شناس عجیبی است کفش‌های امام جواد خردسال را به تعبیر کشی جفت می‌کرده است، این مقدارش به موسی بن جعفر علیهما السلام، به پسر برادرش امام رضا و به نوۀ بردارش یعنی امام جواد سلام الله علیه این ها همه نشان گر اوج مقام معنوی در اوج مقام علمی است و این آقا باعث شد که حدود 700 روایت از روایاتی که از موسی بن جعفر سلام الله علیه که ما داریم، از شخص علی بن جعفر باشد.

[ظهور واقفیه پس از شهادت امام کاظم سلام الله علیه]

نکتۀ دیگری که در مورد حضرت موسی بن جعفر سلام الله عیله عرض می کنم این است که بعد از شهادت ایشان و امامت امام رضا سلام الله علیه شما با واقفیه روبرو می‌شوید که خود آن‌ها هم برای پیشبرد اهداف شوم خودشان بعضا دست به جعل حدیث زدند و میراثی هم از آنها در بین بعضی از روایات ما بود هاست که آرام آرام از روایات ما حذف شده است، ما یک مدتی پیش بحثی از علی بن أبی حمزه بطائنی و بحث وقف داشته باشیم.

[نقلی تاریخی از ملاقات حسن بن علی الوشاء با علی بن محمد بن عیسی]

نکته دیگری که عرض می کنم تا هم وضع شیعه را شما در زمان امام موسی بن جعفر سلام الله علیهما، امام رضا علیه السلام در مرحلۀ سوم بدانید چیست و هم بدانید در مرحلۀ دوم که اوج قدرت روایی شیعه است ما چگونه بودیم، برای این که هم دورۀ دوم را آشناتر بشوید و هم دورۀ سوم به این نکته تاریخی که از رجال نجاشی نقل می کنم دقت کنید.

حسن بن علی بن زیاد الوشاء، ایشان که از وجوه طائفه و از اصحاب امام هشتم، سلام الله علیه است و بسیار هم جلیل القدر است. نجاشی با سند از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کند، که احمد بن محمد بن عیسی قمی می‌گوید **خرجت إلى الكوفة في طلب الحديث**، احادیث قم را داشته می رود تا از مکتب کوفه حدیث بیاموزد

**فلقيت بها الحسن بن علي الوشاء**؛ احمد بن محمد بن عیسی میگوید در کوفه با حسن بن علی الوشاء ملاقات کردم،

**فسألته أن يخرج لي ( الي ) كتاب العلاء بن رزين القلاء وأبان بن عثمان الاحمر فأخرجهما الي**

به این آقای حسن بن علی الوشاء گفتم من از تو می خواهم، دو کتاب علاء بن رزین و ابان بن عثمان رابه من نشان بدهی، از اصول اولیه کتب شیعه. **فأخرجهما الیّ**، این کتاب ابان، این هم کتاب علاء

**فقلت له : احب أن تجيزهما لي** من احمد بن محمد بن عیسی، به جناب حسن بن علی الوشاء دوست دارم این دو کتاب را به من اجازه بدهی، منظورش این بوده است که الان به من اجازه بده که من بتوانم سند داشته باشم به این دو کتاب.

**فقال لي : يا رحمك الله وما عجلتك؟** حسن بن علی بن زیاد به من گفت خدا رحمت کند چه عجله ایی داری، **اذهب فاكتبهما واسمع** **من بعد** ببر این دو کتاب را از رویش استنساخ کن، بعد بیان پیش من این دو کتاب را برایت می خوانم و تو گوش بده. برو از روی این دو نسخه بنویس برای این که مقایسه کنی با نسخه من ، بیا پیش من من برای تو می خوانم تو گوش بده و نسخه خود را تصحیح کن. عجله نکن

**فقلت : لا آمن الحدثان**

من معلوم نیست زنده باشم این مقدار، ولی فعلا علی الحساب این مقدار به من اجازه بده

**فقال : لو علمت أن هذا الحديث يكون له هذا الطلب لا ستكثرت منه**

اگر من می دانستم حدیث این مقدار مشتاق دارد، من احادیث زیادتر جمع می کردم، گویا از این عبارت استفاده می شود که قمیون، شوق بیشتری نسبت به احادیث از خود نشان میدادند، نسبت به اهل کوفه در آن زمان. لذا می‌گوید اگر من این شوق را می دانستم بیشتر حدیث جمع می کردم،

**فاني أدركت في هذا المسجد تسعمائة شيخ**

من حسن بن علی بن وشاء در همین مسجد کوفه 900 شیخ را دیدم که

**كل يقول حدثني جعفر بن محمد**،[[2]](#footnote-2) همه این 900 نفر می‌گفتند حدثنی جعفر بن محمد مستقیم، از این عبارت شما استفاده کنید،:

1. اوج و ترقی حدیثی در زمان امام صادق سلام الله علیه را، که فقط در کوفه بعد از امام صادق، 900 استاد می نشستند می‌گفتند حدثنی جعفر بن محمد، چه خبر بوده است در آن عصر
2. باز به دوران تثبیت و تکمیل یک مقداری عنایت کنید که با شهادت امام صادق علیه السلام این تمام نشده است، اگر چه مرحله عوض شده است، اما در زمان موسی بن جعفر علیه السلام هم این ها در آن جا بودند و از امام صادق علیه السلام روایت نقل می کردند که خود این حسن بن وشاء از آنهاست، این گذشته شیعه است. حال هم در کوفه، هم در قم نسبت به احادیث نسبت به این برههۀ سوم

این هم به عنوان حاشیه عرض کنم که این عبارت نشان می دهد که بخشی از تراث شیعه به دست ما نرسیده است و بخش عمده‌ایی است، ببینید حسن بن علی بن وشاء می گوید اگر می دانستم این حدیث اینقدر طالب دارد، بیشتر جمع می کردم، پس معلوم می شود برخی از این ها اصلا نقل نشده است، که این مطلب همان مقدمات بحث انسداد و اضطرار باشد.

این هم یک نکته تا با دوران تثبیت آشناتر بشوید.

[اباصلت و نقل روایتی مسند از امام صادق در نزد احمد بن حنبل]

می آییم سراغ دوران امام رضا سلام الله علیه، اجازه بدهید، من در این‌جا یک عبارتی را که، شیخ مفید، در کتاب امالی مجلس سی و سوم، حدیثی را از ابو صلت الهروی که جزء یاران نزدیک امام رضا سلام الله علیه است نقل می کند با این سند:

**حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ع عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْإِيمَانُ قَوْلٌ مَقُولٌ وَ عَمَلٌ مَعْمُولٌ وَ عِرْفَانُ الْعُقُول**‏،

حال ابوصلت ادامه می دهد: **قَالَ أَبُو الصَّلْتِ فَحَدَّثْتُ بِهَذَا الْحَدِيثِ فِي مَجْلِسِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ فَقَالَ لِي أَحْمَدُ يَا أَبَا الصَّلْتِ لَوْ قُرِئَ هَذَا الْإِسْنَادُ عَلَى الْمَجَانِينِ لَأَفَاقُوا**،[[3]](#footnote-3) این سند که تو ارائه دادی، سند عجیبی است، اگر این سند را بر یک مجنون قرائت کنند، او خوب می شود، این قدر این سند سند گرانقدری است.

این را اضافه کنید، به آنچه از ابوحنیفه نقل کردیم، در مورد روایات امام صادق، که اگر امام صادق بگوید قال رسول الله من این را قبول می‌کنم از باب علم و برخورد متفاوت شافعی که کانّ این روایات را مرسله به حساب می آورد، در مورد مسندات ائمه احمد بن حنبل این عبارت را به نقل شیخ مفید در کتاب امالی قبول دارد

ان شاء الله باز هم این مطلب را مقداری ادامه بدهیم تا آشناتر بشویم با تراث روایی شیعه.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

1. الکافی[ط-اسلامیه]، ج 1، ص‌322، ح‌12. [↑](#footnote-ref-1)
2. رجال نجاشی[ط-الاسلامی]، ج‌1، ص‌40، رقم 80. [↑](#footnote-ref-2)
3. امالی[ط-کنگره شیخ مفید]، ص 275. [↑](#footnote-ref-3)